



تزام یا تصالح افترای کیفری و آزادی بیان در نظام

حقوقی مصر

محمد حسن حسنی*

استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۱

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۹/۲۴

چکیده

جرم‌انگاری افترا با هدف حمایت از حرمت اشخاص چالش التزام آن با حق آزادی بیان را برانگیخته است. برقراری تعادل منصفانه بین حق آزادی بیان و حرمت شهروندان مستلزم اتخاذ راهبرد حقوقی سنجیده است. هدف این نوشتار سنجش التزام یا تصالح افترای کیفری و آزادی بیان در نظام حقوقی مصر با روش توصیفی - تحلیلی است. بر اساس یافته‌های پژوهش، نظام حقوقی مصر با جرم‌انگاری افترای شخصی از یک سو و جرم‌زدایی از افترای عمومی از سوی دیگر، مشروط به اصلاح برخی کاستی‌های آن، تصالح عادلانه میان افترای کیفری و حق آزادی بیان را فراهم ساخته و ضمن حمایت از کرامت ذاتی انسان، مانع تحدید بلا وجه اصل آزادی بیان به ویژه توسط صاحبان قدرت می‌گردد.

واژگان کلیدی: افترا، آزادی بیان، حرمت اشخاص، کرامت انسان، حقوق بشر

E-mail: m.hasani@du.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:



Copyright© 2024, the Authors | Publishing Rights, ASPI. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution- NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms



۱. مقدمه

انسان اشرف مخلوقات، برخوردار از کرامت ذاتی و حقوق و آزادی‌های فردی به ویژه حق آزادی بیان است. همه اشخاص در بیان دیدگاه‌ها و اندیشه‌های خود آزاد هستند (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۴: ۲۳۹-۲۹۲). اسناد حقوقی بین‌المللی و منطقه‌ای^۱ و آموزه‌های خواه غایت مدار یا فایده مدار از حق آزادی بیان حمایت می‌نمایند (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸: ۱۲۳). بر پایه آموزه غایت مدار، آزادی بیان جزء حقوق طبیعی و از مقتضیات استقلال فردی، حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش و تحقق مردم‌سالاری است. افزون بر آن آزادی بیان در تحول جوامع انسانی، رشد و تقویت استعدادهای فردی سودمند است (Rodney and Melville, 2011: 12). آزادی بیان گرانی‌گاه بسیاری از حقوق و آزادی‌ها همچون آزادی مطبوعات، دسترسی به اطلاعات، انتشار اندیشه‌ها، انتقاد و رهایی از سانسور است (زاهدی و شریف زاده، ۱۴۰۰: ۹۶-۱۰۲). از این رو آزادی بیان از یک سو عدم دخالت تحدیدی و از سوی دیگر دخالت حمایتی دولت‌ها را می‌طلبد.

قرارداد اجتماعی به منظور زیست اجتماعی مسالمت‌آمیز و اجتناب از اضرار به دیگران، حق آزادی بیان را مطلق و نامحدود نمی‌سازد. سوء استفاده از آزادی نوعی رجعت به دوران ماقبل قرارداد اجتماعی است؛ دورانی که هابز از آن به دوران جنگ همه علیه همه^۲ یاد می‌کرد. (هابز، ۱۳۸۷: ۱۵۸) از این رو هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق آزادی بیان را وسیله اضرار به دیگران قرار دهد. استوارت میل می‌گوید: «تنها موردی که می‌توان بر خلاف میل یک شهروند جامعه متمدن، به گونه‌ای موجه بر او اعمال قدرت کرد جلوگیری از ایراد آسیب به دیگران است» (استوارت میل، ۱۳۸۸: ۴۶). تفسیر

^۱ ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه ۱۷۸۹؛ ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸؛ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶؛ ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۰؛ ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹؛ ماده ۹ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها ۱۹۸۱، ماده ۲۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی ۱۹۹۰

^۲ War of all against all



کاملاً حداقلی از ضرر به گونه‌ای که آزادی بیان را اصل و محدودیت را کاملاً استثنائی نماید ضروری است. در اسناد حقوق بشر نیز بر مقید بودن حق آزادی بیان از جمله احترام به حقوق و حیثیت اشخاص تصریح شده است.^۳ البته تقید و تحدید آزادی بیان صرفاً در چهارچوب استثنای ضروری و بر اساس قانون مصوب در یک جامعه دموکراتیک قابل پذیرش خواهد بود.

زندگی اجتماعی آوردگاه تقابل یا نزاحم حقوق و آزادی‌های فردی در یک منظومه متناظر و متکامل است. پیشگیری از نقض متقابل حقوق و آزادی‌های فردی، موازنه دو سویه حق‌ها را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. حق آزادی بیان مقید به احترام به حقوق و حیثیت افراد است؛ زیرا آبرو و حیثیت اشخاص دارای ارزش والا همچون ارزش حیات است. آزادی بیان می‌تواند گاه به ابزاری خطرناک برای نقض کرامت انسان تبدیل شود (Kamali, 2014: 44). اعمال آسیب‌زایی مانند افترا، اهانت، پورنوگرافی، افشای اسرار خصوصی را نمی‌توان به نام آزادی بیان مجاز شمرد (امیدی، ۱۴۰۰: ۳۶). در مقابل، صرف نگرانی از بی‌احترامی به اشخاص نبایست دست‌آویز تحدید آزادی بیان باشد. جرم‌انگاری افترا با هدف حمایت از حیثیت معنوی اشخاص منجر به ایجاد چالش نزاحم آن با حق آزادی بیان گردیده است. اگر سوء استفاده شهروندان از حق آزادی بیان نارواست، بی‌تردید سوء استفاده مقامات عمومی از اختیارات خود در کنترل و تحدید آزادی بیان نکوهیده‌تر است. برای نمونه تعقیب کیفری اشخاص به اتهام افترا، به ویژه تعقیب کیفری رسانه‌های جمعی و صاحبان قلم در مقام نقد عملکرد مقامات دولتی و افشای تخلفات آنان با سیاست تقنینی مبارزه با فساد اداری از طریق گزارشگری فساد یا سوت‌زنی در تعارض است. در این میان باید به تعادلی منصفانه بین آزادی بیان از یک سو و حرمت شهروندان از سوی دیگر دست یافت (Harpwood, 2009: 369). برقراری چنین تعادلی کار پیچیده‌ای است و طراحی نظام

^۳ ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ بند ۳ ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶؛ ماده ۲۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی؛ ماده ۱۰ کنوانسیون اروپائی حقوق بشر، ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ماده ۲۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، حیثیت و حقوق دیگران را جزء محدودیت‌های حق آزادی بیان شمرده‌اند.



حقوقی موجه و سنجیده‌ای را می‌طلبد.

برخی آشتی بین حق حرمت افراد و حق آزادی بیان را منوط به جرم‌زدایی از افترا و بازگشت به ضمانت اجرای مدنی می‌دانند (Yanchukova, 2003: 893). تا از یکسو امکان قانونی برای سوء استفاده از قدرت و سرکوب نقد فراهم نشود و از سوی دیگر مجالی برای غرض‌ورزی و نقض حرمت اشخاص فراهم نشود. بند ۱۷ قطعنامه ۱۵۷۷ مجمع پارلمانی شورای اروپا در سال ۲۰۰۷ با عنوان «پیش به سوی جرم‌زدایی از نشر اکاذیب و افترا»^۴ الغای مجازات حبس و اجتناب از توسل افراطی به پیگرد کیفری افترا و تضمین حمایت مدنی مؤثر از حیثیت افراد را به دولت‌های عضو توصیه می‌نماید. کمیته حقوق بشر سازمان ملل در نظریه عمومی شماره ۳۴ در سال ۲۰۱۱ دولت‌ها را به جرم‌زدایی از افترا یا دست کم حبس‌زدایی از آن توصیه می‌نماید.^۵ انگلستان و برخی کشورهای منطقه بالکان و اروپای شرقی متأثر از جنبش جرم‌زدایی، سیاست جرم‌زدایی از افترا را اتخاذ نموده‌اند (غلاملو، ۱۴۰۱: ۲۰۵).

در این میان توصیف و تحلیل رویکرد نظام حقوقی مصر در قبال افترا به عنوان یکی از کشورهای تأثیرگذار در جهان عرب و چندوچون حمایت از حق آزادی بیان و احترام به اشخاص در جهت کشف سازکارهای مؤثر بر دستیابی به تعادل منصفانه بین حق‌های یادشده ضروری می‌نماید. مسئله اصلی پژوهش از این قرار است: آیا رویکرد نظام حقوقی مصر در قبال افترا و برقراری تعادل منصفانه بین حق آزادی بیان و احترام به حیثیت اشخاص کارآمد و سنجیده ارزیابی می‌گردد؟ واکاوی و تحلیل واقع‌بینانه این موضوع منوط به آگاهی جامع از چندوچون مواجهه نظام حقوقی مصر با پدیده افترا است. با توجه به تفکیک و برخورد دوگانه نظام حقوقی مصر با افترای شخصی از یک سو و افترای عمومی از سوی دیگر، این پژوهش در ذیل دو مبحث تحریم کیفری افترای شخصی و تجویز کیفری افترای عمومی سامان یافته است.

⁴ "Towards decriminalisation of defamation", accessed October 15, 2022, <https://assembly.coe.int>

⁵ General comment no. 34, Article 19, Freedoms of opinion and expression, Human Rights Committee 102nd session, Geneva, 11-29 July 2011



۲. تحریم کیفری افترای شخصی

مراد از افترای شخصی انتساب امور مجرمانه یا تحقیرآمیز به هر یک از اشخاص با اغراض شخصی است. قانون‌گذار کیفری مصر با جرم‌انگاری و کیفرگذاری این نوع افترا در صدد حمایت از حیثیت اشخاص است.

۲-۱. جرم‌انگاری افترا

به موجب بند اول ماده ۳۰۲ قانون مجازات مصر افترا وصف مجرمانه دارد. تحقق این جرم منوط به وجود برخی عناصر به شرح زیر است.

۲-۱-۱. انتساب امور مجرمانه یا تحقیرآمیز

افترا انتساب امور مجرمانه یا تحقیرآمیز به دیگری صرف نظر از صحت و سقم آن است (نمور، ۲۰۰۲: ۳۳۵). امور مجرمانه انتسابی برای تحقق افترا اعم از جنایت، جنحه و خلاف است. تحقق افترا منوط به وجود عنصر انتساب امور مجرمانه یا تحقیرآمیز به شخص معین خواه به صورت گفتاری یا نوشتاری است (شاذلی، ۲۰۱۰: ۸۴۴). جرم افترا از طریق اشاره نیز قابل ارتکاب است مشروط به اینکه دلالت عرفی در انتساب امور مجرمانه یا تحقیرآمیز به شخص معین داشته باشد (نجیب حسنی، ۱۹۷۸: ۵۱۰). افترا ممکن است به نحو صریح یا ضمنی، در قالب پرسش و استفهام، اظهار نظر یا مدح باشد (همان: ۵۲۷).

هر چند انتساب باید متوجه شخص خاص باشد اما لازم نیست مفتری از شخص مورد نظر نام ببرد یا اوصاف او را دقیقاً ذکر کند؛ همین مقدار که دیگران متوجه فرد مورد نظر مفتری شوند کافی است و اتخاذ دیدگاهی بر خلاف آن موجب تضییق دامنه حمایت کیفری از حرمت اشخاص خواهد بود. «برای تحقق افترا کافی است شخص مورد نظر مفتری به سهولت از اظهارات او قابل تشخیص باشد و لو آنکه مفتری اسمی از آن شخص به میان نیاورده باشد» (سعیدی، ۱۴۰۱: ۵۴). شرط معین بودن شخص مخاطب در بزه افترا مانع ارتکاب آن ضد اشخاص حقوقی یا نهادهای قانونی فاقد شخصیت حقوقی نیست. «شرکت‌های تجاری دارای شخصیت حقوقی اند و افترا به آن‌ها در حکم افترا به مدیران شرکت و قانوناً قابل مجازات است» (شاذلی، پیشین: ۸۴۹).



مبنای جرم‌انگاری افترا حمایت از شرافت و اعتبار انسان است و شرافت و اعتبار انسان با مرگ وی منتفی می‌شود؛ بنابراین اموات نمی‌توانند موضوع بزه افترا باشند؛ اما چنانچه مقصود از افترا به میت، هتک حرمت وراثت یا خویشاوندان متوفی باشد، افترا به شخص معین و قابل مجازات است (سعیدی، پیشین: ۵۵).

انتساب امور مجرمانه یا تحقیق‌آمیزی افترا محسوب می‌شود که مربوط به یک واقعه معین باشد. معین بودن امور انتسابی از مهم‌ترین وجوه افتراق جرایم افترا و توهین است. بزه افترا جز با انتساب امور معین به دیگری محقق نمی‌شود. در حالی که جرم توهین وفق ماده ۳۰۶ منوط به انتساب یک واقعه معین به دیگری نیست. معین بودن امور انتسابی عامل تشدید مجازات افترا نسبت به جرم توهین شمرده می‌شود. برای نمونه اگر کسی به کارمندی بگوید که در حیطه وظایف خود اختلاس کرده است مفتری محسوب می‌شود. در مقابل استفاده از عناوین کلی مختلس، مرتشی، دزد، حقه‌باز، بدرفتار یا بدنام، به لحاظ عدم دلالت بر واقعه معین، توهین شمرده می‌شوند (کامل، ۲۰۰۲: ۱۹).

۲-۱-۲. علنی بودن انتساب

صرف انتساب امور مجرمانه یا تحقیق‌آمیز به دیگری برای تحقق افترا کافی نیست؛ بلکه مقید به عنصر علنی بودن است. بنا بر فرض قانون‌گذار مصر افترا با اعلان و انتشار امور مجرمانه یا تحقیق‌آمیز رخ می‌دهد زیرا تنها در این صورت است که مردم نوعاً از آن مطلع و موجب هتک حرمت بزه دیده می‌شود. ماده ۳۰۲ ضمن تعریف جرم افترا ارتکاب آن را منوط به روش‌های علنی مقرر در ماده ۱۷۱ نموده است. روش‌های علانیت افترا مندرج در ماده ۱۷۱ جنبه حصری ندارند بلکه تمثیلی است (مصطفی، ۱۹۸۴: ۲۸۹؛ رمسیس، ۱۹۸۲: ۲۴۶؛ مرصفاوی، ۱۹۹۱: ۶۴۹). به رغم آنکه اصولاً جرم افترا بدون عنصر علنی بودن تحقق نخواهد یافت قانون‌گذار مصر به موجب ماده ۳۰۸ مکرر افترای تلفنی را استثنائاً با وجود فقدان عنصر علانیت، قابل مجازات شناخته است. وفق ماده مذکور هر کس اقدام به افترای تلفنی دیگری نماید به مجازات مقرر در ماده ۳۰۳ محکوم می‌شود. بر اساس ماده ۱۷۱ صورت‌های افترای علنی عبارتند از: کلام علنی یا رسا، فعل یا اشاره علنی، مکتوبات علنی.



الف - کلام علنی یا رسا

کلام هنگامی علنی است که در یک مکان یا گذرگاه عمومی بیان شود یا بیان آن به نحوی یا با تجهیزاتی باشد که برای سایر افراد در این اماکن قابل استماع باشد. کلام علنی یا رسا مستلزم شنیدن آن توسط کسی غیر از گوینده است و الا به رغم عمومی بودن مکان، کلام علنی شمرده نمی‌شود.

تشخیص اماکن عمومی در علنی شمردن کلام حائز اهمیت است. برخی اماکن ماهیتاً عمومی شمرده می‌شوند مانند گذرگاه‌ها، میادین و تفرجگاه‌های عمومی. برخی اماکن برای عموم افراد اختصاص یافته است مانند مساجد، کلیساها، مدارس و میکده‌ها. برخی اماکن هم به صورت اتفاقی یا تصادفی عمومی محسوب می‌شوند مانند قهوه‌خانه‌ها، رستوران‌ها که در اصل مکان خصوصی اند اما به عموم افراد اجازه ورود داده می‌شود. در اماکن ذاتاً عمومی عنصر علنی بودن در کلام محقق می‌شود ولو در آن لحظه هیچ‌کس در آنجا حضور نداشته باشد؛ زیرا در این نوع اماکن غالباً امکان استماع اشخاص وجود دارد. در اماکن تخصیص‌یافته برای عموم افراد یا اماکن عمومی اتفاقی برای علنی بودن کلام، حضور برخی افراد در این اماکن لازم است (جبوری، ۲۰۰۰: ۳۸۰). بر این اساس منزل اشخاص اصولاً مکان خصوصی محسوب می‌شود و نمی‌توان آن را مکان ذاتاً عمومی شمرد، مگر آنکه بر حسب اتفاق افرادی در آنجا حضور یابند که در این صورت مکان عمومی اتفاقی شمرده می‌شود.

ممکن است کلام علنی یا رسا در مکان خصوصی ابراز می‌شود. در این صورت با امکان استماع آن توسط دیگران از اماکن عمومی شرط علانیت محقق است. برای نمونه چنانچه کسی از پنجره اتاق مشرف به گذرگاه عام و به نحو رسا کلامی بگوید که برای عابران از آن گذرگاه قابل استماع باشد شرط علانیت محقق است. برای تحقق شرط علانیت در این حالت صرف امکان استماع آن برای تحقق جرم افترا کافی است ولو آنکه در آن مکان عمومی هیچ‌کس حضور نداشته باشد (شاذلی، پیشین: ۸۵۹).

ب- فعل یا اشاره علنی

وفق بند چهارم ماده ۱۷۱ «فعل یا اشاره هنگامی علنی محسوب می‌شود که در مکان یا گذرگاه عمومی واقع شود یا به نحوی رخ دهد که امکان رؤیت آن از این گذرگاه‌ها یا



اماکن وجود داشته باشد». برای نمونه اگر کسی در یک مکان عمومی بپرسد که چه کسی مرتکب فلان جرم خاص شده است و فردی به سوی زید اشاره کند، اشاره علنی و افترا شمرده می‌شود. فعل یا اشاره علنی ممکن است از طریق پخش رادیویی یا تلویزیونی رخ دهد برای نمونه ممکن است کسی در برنامه تلویزیونی و با فعل یا ایماء و اشاره امور مجرمانه یا تحقیرآمیزی را به دیگری نسبت دهد (مصطفی، پیشین: ۲۸۵).

پ- مکتوبات علنی

فراز اخیر ماده ۱۷۱ مقرر می‌دارد: مکتوبات، نقوش، تصاویر و عکس‌ها، علائم و دیگر نمایه‌های علنی در صورتی که برای عموم افراد پخش و توزیع شوند یا به نحوی عرضه شوند که امکان رؤیت آن‌ها از معابر یا اماکن عمومی وجود داشته باشد یا برای فروش در این اماکن عرضه شوند واجد عنصر علانیت هستند. مکتوبات مطابق این مقرر دارای مفهوم موسع و مشتمل بر کلیه نوشتارهای مفهومی، علائم، نقوش و تصاویر و عکس‌ها می‌باشد. علنی بودن مکتوبات به سه صورت است:

صورت اول - پخش و توزیع مکتوبات

پخش و توزیع به معنای ارسال یا انتقال به دیگران است؛ بنابراین با تماشای مکتوب توسط دیگران یا نقل مفاد و مضمون آن برای دیگران شرط پخش و توزیع محقق نمی‌گردد. مکتوب باید بین عموم افراد و نه یک عده افراد خاص پخش و توزیع شود؛ زیرا توزیع و پخش مکتوب بین اشخاصی که به واسطه وجود رابطه خاص میان آن‌ها تبدیل به یک واحد مردمی شده‌اند فاقد عنصر علانیت است. بر این اساس با تسلیم مکتوب به یک نفر یا به تعدادی از دوستان یا اقربا و خویشاوندان توزیع‌کننده یا ارسال مکتوب برای اعضاء یک انجمن یا شرکت سهامی یا قضاات دادگاه شرط توزیع علنی محقق نمی‌گردد (سعید رمضان، ۱۹۸۶: ۳۶۲).

صورت دوم - عرضه مکتوبات

در این حالت مکان عرضه مکتوب ممکن است عمومی یا خصوصی باشد اما مشروط به امکان مشاهده و رؤیت آن از اماکن عمومی است؛ بنابراین عرضه مکتوب در داخل یک بسته غیر قابل رؤیت ولو در مکان عمومی، عرضه علنی شمرده نمی‌شود شایان ذکر است قانون‌گذار علنی بودن را منوط به مشاهده عملی ننموده است؛ بلکه قابلیت



مشاهده مکتوب را کافی شناخته است (شاذلی، پیشین: ۸۶۴).

صورت سوم - فروش یا در معرض فروش گذاردن مکتوبات

در فروش مکتوبات عنصر علنی بودن تحقق خواهد یافت؛ زیرا فروش مکتوبات مقتضی تسلیم آن به مشتری و مطلع شدن از مضمون آن است. در این صورت فروش یک نسخه از مکتوبات یا فروش نسخ متعدد به یک نفر برای این منظور کافی است. عنصر علانیت علاوه بر فروش مکتوب، با عرضه برای فروش مانند قرار دادن آن پشت ویتترین مغازه یا درج آگهی فروش آن در نشریات محقق می‌گردد. مکان فروش یا عرضه برای فروش می‌تواند عمومی یا خصوصی باشد.

۳-۱-۲. قصد مجرمانه

افترا از جرایم عمدی و نیازمند سوء نیت عام است. سوء نیت عام مرکب از علم و اراده مرتکب است (حسنین، ۲۰۰۶: ۵۴). مرتکب باید از مجرمانه یا تحقیرآمیز بودن وقایع آگاه باشد. افزون بر آن متهم باید از علنی بودن انتساب آگاه باشد. برای نمونه مرتکب باید بداند که در حال انتساب علنی امور مجرمانه یا تحقیرآمیز به دیگری در مکان عمومی یا به نحوی است که قابلیت استماع از مکان عمومی را دارد. افزون بر آگاهی، اراده آزاد مرتکب برای احراز سوء نیت عام ضروری است. اراده مرتکب هنگامی آزاد تلقی می‌شود که متأثر از اکراه یا تهدید یا اختلال روانی نباشد (شاذلی، پیشین: ۸۶۸). برای تحقق قصد مجرمانه در افترا نیاز به قصد اضرار به دیگری نیست (قهوجی، ۲۰۰۲: ۵۷۷)؛ بنابراین حتی اگر ثابت شود هدف مرتکب خدمت، نصیحت یا اصلاح و نه اضرار مخاطب بوده است نافی قصد مجرمانه نیست. فراتر از آن قانون‌گذار مصر به منظور حمایت حداکثری از حرمت اشخاص اثبات صحت امور انتسابی به شاکی را نیز اصولاً رافع مسئولیت کیفری مرتکب نمی‌شناسد.

۲-۲. کیفرگذاری افترا

کیفرگذاری، انتخاب و تعیین نوع، نحوه و میزان مجازات متناسب با هر جرم از سوی قانون‌گذار است. مجازات قانونی بزه افترا در مصر به دو گونه ساده و مشدد است.

۱-۲-۲. مجازات ساده



به موجب فراز نخست ماده ۳۰۳ و تا پیش از اصلاح آن در قانون شماره ۱۴۷ مصوب ۲۰۰۶ مجازات ساده افترا حبس تا حداکثر یک سال و جریمه بین حداقل دو هزار و پانصد و حداکثر هفت هزار و پانصد پوند یا یکی از کیفرهای مزبور بوده است. به موجب قانون اخیرالذکر مجازات حبس الغاء و جریمه آن به حداقل پنج هزار و حداکثر پانزده هزار پوند افزایش یافت.

۲-۲-۲. مجازات مشدد

مجازات افترا در صورتی تشدید می‌شود که مقرون به کیفیات قانونی مشدده باشد. به طور کلی افترا به مأموران دولت، افترا از طریق جراید یا مطبوعات و افترا ضد اعراض یا حیثیت خانوادگی افراد جزء کیفیات قانونی تشدید مجازات افترا هستند.

الف - افترا به مأموران دولت

به موجب فراز دوم ماده ۳۰۳ مجازات افترا به کارمند دولت یا نمایندگان مجالس عمومی یا مأمورانی که مکلف به انجام خدمات دولتی هستند، به سبب انجام وظیفه از جهات قانونی تشدید مجازات افترا به حبس تا حداکثر دو سال و جریمه بین حداقل پنج هزار و حداکثر ده هزار پوند یا یکی از کیفرهای مزبور است. چه آنکه افترا به کارمندان دولت مغایر مصالح عمومی است؛ مشروط به آنکه اولاً، افترا به کارمند دولت به سبب انجام وظیفه باشد. ثانیاً، متهم ناتوان از اثبات صحت امور انتسابی به کارمند دولت باشد (جبر، ۲۰۲۲: ۱۰؛ سالم، ۱۹۹۵: ۸).

ب - افترا از طریق جراید یا مطبوعات

به موجب ماده ۳۰۷ چنانچه افترا از طریق جراید یا مطبوعات ارتکاب یابد حداقل و حداکثر مجازات آن تا دو برابر افزایش می‌یابد. تشدید مجازات به اعتبار وسیله منوط به افترا از طریق مطبوعات ادواری یا غیر ادواری مانند آگهی یا کتاب است. افترا از طریق جراید به لحاظ وقوع آن با تفکر و اندیشه قبلی، قابل سرزنش تر است. گستردگی قلمرو انتشار افترا از این طریق دلیل دیگری برای تشدید مجازات آن است (شاذلی، پیشین: ۸۷۶).

پ - افترا ضد اعراض یا حیثیت خانوادگی افراد

به موجب ماده ۳۰۸ چنانچه موضوع افترا اعراض یا حیثیت خانوادگی افراد باشد



مجازات آن حبس و جریمه و در حدود مقرر در مواد ۳۰۳، ۳۰۶ و ۳۰۷ است و چنانچه افترا ضد اعراض و حیثیت خانوادگی افراد از طریق مطبوعات رخ دهد مجازات جریمه از نصف حداکثر و مجازات حبس کمتر از شش ماه نخواهد بود.

افترا هنگامی ضد اعراض اشخاص است که عفت و پاکدامنی جنسی بزه دیده اعم از زن یا مرد را مخدوش نماید یا گویای تعصب نداشتن بزه دیده نسبت به عرض خود باشد. نمونه آن متهم نمودن یک زن متأهل به برقراری رابطه جنسی با مرد بیگانه است. افترا هنگامی ضد حیثیت خانوادگی است که به کیان و شرافت خانواده آسیب برساند. نمونه آن معرفی قاچاق مواد مخدر به عنوان منبع درآمد خانواده‌ای است (همان: ۸۷۷). برای تشدید مجازات کافی است افترا ضد عرض یا حیثیت خانوادگی افراد باشد و وجود یکی از این دو شرط کافی است. در این صورت مجازات آن با تجمع حبس و جریمه تشدید می‌شود و دادگاه اختیار ندارد مفتی را تنها به یکی از کیفرهای مزبور محکوم کند. مبنای تشدید مجازات در این مورد حمایت و صیانت از قداست اعراض و حیثیت خانوادگی افراد است.

۳. تجویز کیفری افترای عمومی

مراد از افترای عمومی انتساب امور مجرمانه یا تحقیرآمیز به برخی اشخاص با اغراض عمومی است. قانون‌گذار مصر در باب هفتم از کتاب سوم قانون مجازات مصر با جرم‌زدایی از افترای عمومی، حمایت از حق آزادی بیان را مقدم بر احترام به حیثیت افراد شمرده است.^۶ افترای عمومی مشتمل بر دو نوع افترای اداری و قضایی است؛ افترای اداری با هدف نقد عملکرد اداری مقامات و مأموران دولتی؛ افترای قضایی با هدف اجرای عدالت قضایی.

۱-۳. افترای اداری

قانون‌گذار مصر به رغم جرم‌انگاری افترا در بند نخست ماده ۳۰۲ به موجب بند دوم ماده ۳۰۲ مقرر می‌دارد: نقد عملکرد کارمندان دولت یا اشخاص مکلف به انجام خدمات دولتی مشروط به حسن نیت و عدم تجاوز از حدود مقرر و اثبات صحت امور

^۶ تجویز کیفری افترا نافی امکان اقامه دعوا حقوقی مطالبه خسارت ناشی از آن نیست.



انتسابی از حکم این ماده مستثنی است و جز در این مورد اقامه دلیل برای اثبات صحت امور انتسابی از متهم پذیرفته نمی‌شود. پیشگیری و مبارزه با فساد اداری و تضمین سلامت نظام اداری مبنای تجویز کیفری این نوع افترا است (نجار، ۱۹۷۷: ۶). در این حالت قانون‌گذار مصالح عمومی را مقدم بر احترام به حیثیت شخصی مأموران دولت می‌داند. با این حال تجویز افترای اداری منوط به وجود چهار شرط مقرر در ماده ۳۰۲ است.

۳-۱-۱. مأموریت اداری مخاطب

مطابق این شرط مخاطب افترا باید کارمند دولت یا در حکم کارمند دولت باشد. کارمند دولت هر کسی است که برای انجام خدمات رفاهی دولتی استخدام دائمی شده و در یکی از پست‌های اداری مشغول بکار است (مهنا، ۱۹۸۷: ۴۵۶). منظور از نمایندگان عمومی اعضاء مجالس عمومی مانند مجلس ملی یا محلی مانند مجالس شورای استان‌ها و شهرهاست. مقصود از اشخاص مکلف به انجام خدمات دولتی اشخاصی‌اند که قوه عمومی آنان را متعهد به انجام اموری مرتبط با مصالح عمومی نموده است؛ مانند امین اموال یا مترجمی که دادگاه یا قاضی تحقیق انتخاب کرده است. اگر مخاطب افترا کارمند دولت یا در حکم آن نباشد متهم حتی با اثبات صحت امور انتسابی از این مجوز بهره‌مند نمی‌شود. برای نمونه وکیل دادگستری در اجرای وظایف خود کارمند دولت یا مکلف به انجام خدمات دولتی شمرده نمی‌شود و اثبات صحت امور انتسابی رافع مسئولیت کیفری متهم نیست (خلف، ۱۹۹۱: ۱۲).

۳-۱-۲. ارتباط با وظایف اداری

تجویز قانونی افترا منوط به ارتباط آن با اجرای وظایف دولتی یا نمایندگی مجلس است. این شرط هنگامی محقق می‌گردد که افترا در قلمرو اجرای وظایف اداری و قانونی کارمند یا مرتبط با آن باشد (نجیب حسنی، پیشین: ۵۵۶). برای نمونه به رئیس بیمارستان دولتی نسبت سوء استفاده از تجهیزات و داروهای بیمارستان برای ویزیت بیماران خصوصی داده شود. در صورتی که افترا مرتبط با وظایف اداری کارمند نباشد، مرتکب حتی با وجود حسن نیت و اثبات صحت امور انتسابی مبرا از مسئولیت کیفری نخواهد بود. تجویز قانونی افترا به مأموران دولت به بعد از معافیت از انجام



وظیفه یا ترک خدمت اداری تسری می‌یابد مشروط به آنکه افترا مربوط به اعمال انجام‌یافته توسط کارمند پیش از ترک خدمت باشد (اسدی، ۲۰۱۶: ۱۰۹).

۳-۱-۳. حسن نیت مرتکب

منظور از حسن نیت اعتقاد مرتکب به صحت امور انتسابی به کارمند دولت و به منظور تأمین مصلحت عمومی و نه به جهت تحقیر کردن و عداوت شخصی است. از این رو چنانچه ثابت شود هدف مرتکب از امور انتسابی به کارمند دولت تأمین مصلحت عمومی نبوده و بلکه به جهت عداوت شخصی یا به منظور صرفاً بدنام کردن کارمند بوده باشد، مجرم و سزاوار مجازات است (شاذلی، پیشین: ۸۸۳).

۳-۱-۴. اثبات صحت امور انتسابی

جرم‌زدایی از افترای اداری با هدف مبارزه با فساد و تضمین سلامت اداری مقتضی صحت امور انتسابی است. بعلاوه شرط صحت امور انتسابی مانع از اتهام زنی خلاف واقع به کارکنان دولت به صرف ادعای تأمین مصالح عمومی و فرار از مسئولیت کیفری است. تجویز افترای اداری به شرط اثبات صحت امور انتسابی به کارمند دولت، استثناء بر اصل شمرده می‌شود؛ زیرا صحت یا عدم صحت امور انتسابی اصولاً تأثیری در ماهیت بزه افترا ندارد. بر همین اساس قانون‌گذار با اشتراط اثبات صحت امور انتسابی به کارمند دولت در قسمت اخیر ماده ۳۰۲ مقرر می‌دارد: اقامه دلیل از جانب مفتتری برای اثبات صحت امور انتسابی جز در حالت مندرج در فراز سابق پذیرفته نیست؛ بنابراین افترا به مأموران دولت تنها در صورتی مجاز خواهد بود که با وجود سایر شرایط، صحت امور انتسابی اثبات شود. با این حال برخی معتقدند باور متعارف متهم به صحت امور انتسابی به کارمند دولت با وجود عجز از اثبات صحت آن، برای تجویز افترا اداری کافی است (همان: ۸۸۶).

متهم برای اثبات صحت امور انتسابی می‌تواند به هر یک از ادله اثبات از جمله قرائن و شهادت شهود استناد نماید (مجدی، ۱۹۹۶: ۷۹). البته در افترا از طریق مطبوعات، وفق بند دوم ماده ۱۲۳ قانون آئین دادرسی کیفری متهم مکلف است در اولین جلسه بازجویی و ظرف حداکثر پنج روز پس از آن ادله صحت امور انتسابی به کارمند دولت را به بازپرس ارائه نماید والا حق اقامه دلیل ساقط می‌شود. چنانچه متهم مستقیماً و



بدون تحقیق مقدماتی به دادگاه احضار شود، مکلف است ظرف پنج روز پس از ابلاغ احضاریه ادله خود را به دادستان عمومی و شاکی خصوصی اعلام نماید و الا حق متهم برای اقامه دلیل ساقط می‌شود. تأخیر در رسیدگی به دعوا در این حالات بیش از یک‌بار و ظرف مدت بیش از سی روز جایز نیست. مبنای این مقرر حفظ حرمت مأموران دولت در برابر انتساب امور خلاف واقع به آنان است (سید کامل، ۱۹۹۷: ۳۲۶)؛ در صورتی که متهم نتواند صحت امور انتسابی به کارمند دولت را اثبات کند به مجازات مشدد مقرر در بند دوم ماده ۳۰۳ محکوم می‌شود.

رویکرد مصر از جهت تحمیل بار اثبات صحت امور انتسابی بر متهم و وضع محدودیت زمانی اقامه دلیل وفق بند ۲ ماده ۱۲۳ قابل نقد است چه آنکه ضرورت حمایت از حق آزادی بیان و سلامت نظام اداری مستلزم آن است که در اتهام افترا به مقامات عمومی، با فرض صحت امور انتسابی، بار اثبات معکوس گردد و شاکی یا دادستان عمومی موظف به اثبات عدم صحت اظهارات متهم باشد (سودمندی و مستقیمی، ۱۳۹۰: ۶۸). یا دست کم در صورت وجود شواهدی بر صحت امور انتسابی، قاضی تحقیق رأساً مکلف به بررسی صحت و سقم موضوع و عنداللزوم صدور دستور به مقامات اداری جهت ارائه اسناد و مدارک ذی‌ربط گردد و متهم نیز از حق اقامه دلیل برای اثبات صحت امور انتسابی در تمامی مراحل دادرسی برخوردار باشد.

۲-۳. افترای قضایی

قانون‌گذار مصر به منظور اجرای عدالت قضایی، افترای مرتبط با اقدامات قضایی را تحت ضوابط خاص تجویز نموده است.

۱-۲-۳. اعلام جرایم و تخلفات اداری

اعلام وقوع جرایم و تخلفات اداری از سوی شهروندان مطابق شرایط مقرر در ماده ۳۰۴ قانون مجازات مصر مجاز است. به موجب ماده ۳۰۴ ق.م.: «کسی که صادقانه و با حسن نیت مقامات قضایی یا اداری را از وقوع جرمی مطلع نماید مفتری محسوب نمی‌شود». مطابق این مقرر هر کس حق دارد جرایم و تخلفات اداری را اعلام کند و در برخی مواقع اعلام آن واجب و ترک آن موجب مسئولیت کیفری یا اداری است. مصالح عمومی ناظر بر کشف، تعقیب و مجازات بزهکاران مقتضی تشویق شهروندان



به اعلام وقوع جرایم است. با این حال گاهی اوقات اعلام جرم فی نفسه جرم است. برای نمونه اشخاص به حکم قانون مکلف به حفظ اسرار حرفه‌ای اند و نقض عامدانه آن جرم است. بیم و نگرانی شهروندان از پیگرد کیفری به اتهام افترا از موانع مشارکت آنان در اعلام وقوع جرایم یا ادای شهادت نزد مراجع ذیصلاح است. قانون‌گذار مصر به منظور رفع این نگرانی، اعلام وقوع جرایم یا ادای شهادت نزد مراجع ذیصلاح را تحت شرایط خاص، افترا قضایی و مجاز شناخته است. برای نمونه به موجب ماده ۳۱۰ قانون مجازات مصر افشای اسرار حرفه‌ای جرم محسوب می‌شود مگر در مواردی که قانون افشای آن را تجویز یا الزامی نموده است؛ بنابراین اعلام وقوع جرایم و تخلفات اداری در مواردی که قانون‌گذار آن را مجاز یا الزامی شناخته، فاقد وصف جزایی است. فلسفه این تجویز در تأمین منفعت عمومی آزادی بیان به ویژه تعقیب کیفری جرایم و تخلفات اداری نهفته است. اعلام وقوع جرایم و تخلفات اداری تحت شرایط خاص مقرر در ماده ۳۰۴ افترا قضایی و مجاز است:

شرط اول - موضوع اعلام از جرایم یا تخلفات اداری باشد. بعلاوه جرم اعلامی باید جزء جرایمی باشد که مطابق مواد ۲۵ و ۲۶ قانون آئین دادرسی کیفری مصر تعقیب کیفری آن از سوی دادستان منوط به شکایت ذی‌نفع نباشد؛ بنابراین اعلام وقوع جرایمی از قبیل زنا یا سرقت که تعقیب کیفری آن منوط شکایت کیفری ذی‌نفع است، به هیچ وجه مجاز نیست (حسینی، ۲۰۰۹: ۱۳۰-۱۴۲).

شرط دوم - جرایم یا تخلفات اداری به مراجع ذیصلاح قضایی یا اداری مانند دادستان عمومی یا دادستان اداری و پلیس و روسای وزارتخانه و ادارات ذی‌ربط اعلام شود.

شرط سوم - موضوع اعلامی باید صحت داشته باشد و این شرط از عبارت اعلام صادقانه در قانون استنباط می‌گردد. اگر موضوع اعلامی صحت نداشته باشد برای برائت متهم از جرم افترا، اثبات اشتباه و اعتقاد معقول اعلام‌کننده به صحت آن کافی است. چه آنکه اگر تنها صحت موضوع اعلامی شرط تجویز باشد، موجب امتناع اشخاص از اعلام جرایم به هنگام عدم اطمینان از صحت آن است. در واقع اراده قانون‌گذار بر منع اعلام جرایم به هنگام عدم اطمینان کامل از صحت آن تعلق نگرفته



است چه آنکه در غیر این صورت آسیب آن متوجه مصالح عمومی خواهد بود. شرط چهارم - اعلام‌کننده حسن نیت داشته باشد و به عبارت دیگر هدف وی از اعلام جرایم تأمین مصالح عمومی باشد. در اعلام وقوع جرایم یا تخلفات اداری به منظور بدنام کردن و انتقام‌جوئی از دیگران حسن نیت وجود ندارد. این شرط از عبارت قانونی اعلام صادقانه و بدون سوء نیت استنباط می‌گردد (همان). افزون بر آن به تصریح ماده ۳۰۵ هر کس امر خلاف واقعی را با سوء نیت گزارش نماید ولو هیچ شایعه دیگری جز گزارش مذکور رخ ندهد و منجر به اقامه دعوا نشده باشد، قابل مجازات است.

۲-۲-۳. ادای شهادت

گاهی اوقات انتساب امور مجرمانه یا تحقیرآمیز حین ادای شهادت نزد بازپرس یا قاضی دادگاه رخ می‌دهد. در این صورت عمل شاهد افترای کیفری محسوب نمی‌گردد؛ زیرا ادای شهادت تکلیف قانونی است و امتناع از آن مجازات دارد و بعلاوه شهادت از طرق مهم اثبات دعاوی است و نمی‌توان تصور کرد شاهی که با تبعیت از تکلیف قانونی اقدام به ادای شهادت درباره جرمی نموده است مجرم شناخته شود. شرط تجویز افترا در این حالت برخورداری از عنوان شاهد است. شاهد کسی است که مرجع قانونی ذیصلاح مانند بازپرس یا قاضی دادگاه کیفری یا مدنی یا اداری او را مکلف به ادای شهادت کرده باشد. علاوه بر آن تجویز افترا در این حالت منوط به عدم خروج شاهد از موضوع دعوا و امور مکلف به ادای شهادت درباره آن است. اگر شاهد با خروج از موضوع دعوا اموری را به دیگری انتساب دهد مرتکب جرم افترا است مگر آنکه با حسن نیت و اعتقاد به آن باشد که امور انتسابی مرتبط با موضوع دعواست (شاذلی، پیشین: ۸۹۰).

۳-۲-۳. دفاع از دعوا

به موجب ماده ۳۰۹ در اموری که طرفین دعوا در خلال دفاع از ادعای خود در دادگاه به یکدیگر نسبت می‌دهند، احکام مواد ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۶ و ۳۰۸ جاری نمی‌شود و تنها موجب حق اقامه دعوای مدنی یا انضباطی است. اطلاق مفاد ماده ۳۰۹ مقتضی اعمال حق دفاع از دعوای مطروحه در محاکم است. حق دفاع در محاکم از لوازم اجرای



عدالت قضایی است (فتحی، ۱۹۹۶: ۶۹۲). اعمال حق دفاع به معنای واقعی مستلزم عدم نگرانی از مسئولیت کیفری به اتهام افترا در قبال امور انتسابی به طرف دعوا است. تجویز کیفری افترا در مقام اجرای حق دفاع در محاکم تابع شروطی است. مبنای این شرایط بعضاً مفاد ماده ۳۰۹ و بعضاً ماهیت حق دفاع است:

شرط اول - بنا به تصریح ماده ۳۰۹ انتساب امور مجرمانه یا تحقیرآمیز توسط طرفین دعوا به یکدیگر نخستین شرط تجویز افترا در مقام اعمال حق دفاع است. طرف دعوا شامل مدعی علیه، دادستان عمومی و مدعی حق و خسارت است. وکلای طرفین دعوا یا خویشاوندان مأذون در دفاع از جانب طرفین دعوا ملحق به طرفین دعوا هستند. اگر طرف دعوا اقدام به افترا علیه کسانی مانند شاهد یا کارشناس یا قاضی نماید از این عامل موجهه جرم بهره‌مند نخواهد شد چه آنکه افراد مذکور طرف دعوا شمرده نمی‌شوند (شاذلی، پیشین: ۸۹۱)

شرط دوم - انتساب امور مجرمانه یا تحقیرآمیز به طرف دعوا باید در خلال دفاع در محاکم باشد؛ بنابراین عمل طرفین دعوا در نسبت دادن امور مزبور به یکدیگر خارج از ساحت محاکمه جرم است. نمونه آن انتشار مقاله متضمن افترا در یک نشریه برای دفاع از ادعای خود علیه دیگری است. اظهار و طرح هر گونه ادعائی توسط طرفین دعوا حین تحقیقات مقدماتی یا در جلسات دادگاه یا در متن شکوائیه کتبی مشمول عنوان دفاع است (حسینی، پیشین: ۳۶۳). مقصود از محاکم مندرج در ماده ۳۰۹ کلیه محاکم اعم از کیفری، مدنی، تجاری، اداری و احوال شخصیه است و بعلاوه شامل محاکم استثنائی یا انضباطی و مراجع تحقیقات مقدماتی مانند دادستان عمومی و بازپرس می‌شود.

شرط سوم - انتساب امور مجرمانه یا تحقیرآمیز باید از لوازم حق دفاع باشد؛ به عبارت دیگر برای تحکیم و اثبات ادعای مدعی یا رد ادله طرف مقابل لازم باشد. تصمیم‌گیری درباره اینکه انتساب امور مجرمانه یا تحقیرآمیز از لوازم حق دفاع هست یا خیر بر عهده دادگاه است (عبد العزیز، ۲۰۲۰: ۶۳).

شرط چهارم - امور مجرمانه یا تحقیرآمیز انتسابی به طرف دعوا باید صحت داشته یا دست کم همراه با حسن نیت و اعتقاد معقول به صحت آن باشد (عبد العزیز، پیشین:



۴. نتیجه‌گیری

در آموزه‌های حقوقی و اسناد حقوق بشر بین‌المللی بر اصل حق آزادی بیان و ناروایی تحدید بلا وجه آن تأکید شده است. با این وجود گاه بین حق آزادی بیان و حق احترام به حیثیت اشخاص تزاخم رخ می‌دهد. اتخاذ راهبردی سنجیده و برقراری تعادلی منصفانه بین حق آزادی بیان از یک سو و حق احترام به حیثیت شهروندان از سوی دیگر و به گونه‌ای که آزادی بیان را اصل و تحدید آن را ضرورتی استثنائی در پیشگاه وجدان جمعی بنماید، از چالش‌های خطیر نظام‌های حقوقی است. جرم‌زدایی از افترا و بازگشت به ضمانت‌اجراهای مدنی یا حبس‌زدایی از بزه افترا، دو راهبردی اند که کمیته حقوق بشر سازمان ملل در نظریه عمومی شماره ۳۴ در سال ۲۰۱۱ توصیه به اتخاذ آن از جانب کشورهای عضو سازمان ملل نموده است. در این میان نظام حقوقی مصر با اتخاذ رویکردی متفاوت و تحریم کیفری افترای شخصی از یک سو و تجویز کیفری افترای عمومی از سوی دیگر در صدد حمایت متوازن از حق آزادی بیان و احترام به حیثیت اشخاص برآمده است. مقصود از افترای شخصی انتساب امور مجرمانه یا تحقیرآمیز به هر یک از اشخاص با اغراض شخصی و مراد از افترای عمومی انتساب امور مجرمانه یا تحقیرآمیز به برخی اشخاص با اغراض عمومی همچون سلامت نظام اداری از طریق نقد عملکرد مقامات و صاحب‌منصبان دولتی یا اجرای عدالت قضایی از طریق اعلام وقوع جرایم و تخلفات اداری یا اعمال حق دادخواهی یا ادای شهادت قانونی در مراجع قضایی است. نظام کیفری مصر با جرم‌انگاری افترای شخصی از یک سو و جرم‌زدایی از افترای عمومی از سوی دیگر، به برقراری تعادل و مصالح منصفانه بین حق احترام به حیثیت اشخاص و حق آزادی بیان اهتمام نموده است. این رویکرد روی‌هم‌رفته و به ویژه با اصلاح برخی اشکالات وارد بر آن، الگوی مناسب برای سایر نظام‌های حقوقی در جهت حمایت متوازن از حق آزادی بیان و حق احترام به حیثیت اشخاص است؛ زیرا با جرم‌انگاری حداقلی افترای شخصی به ویژه با تقیید آن به عنصر علنی بودن و الغای حبس از مجازات ساده افترای شخصی، علاوه بر حمایت از حق



احترام به حیثیت اشخاص از تحدید بلا وجه اصل آزادی بیان پرهیز می‌نماید. جرم‌زدایی از افترا عمومی نیز روی هم‌رفته و با اصلاح برخی شرایط آن در وفاداری به اصل آزادی بیان سودمند است. با وجود این منوط نمودن تجویز کیفری افترای عمومی به اثبات صحت امور انتسابی از جانب متهم قابل نقد است. چه آنکه نابرابری سلاح‌ها در دادرسی کیفری و دشواری دسترسی به اسناد دولتی، نقد عملکرد مقامات حکومتی را با چالش نگرانی از تعقیب کیفری در صورت عجز متهم از اثبات صحت امور انتسابی مواجه می‌نماید. از این رو اصلاح قانون به منظور معکوس نمودن بار اثبات ضروری است تا به این وسیله اصل بر صحت امور انتسابی نهاده شود؛ مگر آنکه شاکای عدم صحت آن را اثبات کند. افزون بر آن، شایسته است باور متعارف متهم به صحت امور انتسابی با قرار گرفتن بار اثبات آن بر عهده متهم به عنوان یک عامل موجهه جرم در افترای عمومی در قانون مجازات مصر پیش بینی شود.

۵. منابع

۵-۱. منابع فارسی

الف) کتب

- ۱- استوارت میل، جان (۱۳۸۸). درباره آزادی. ترجمه: محمود صناعی، تهران، روشنگران.
- ۲- قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۸). حقوق بشر در جهان معاصر: جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها، تهران، انتشارات شهر دانش.
- ۳- هابز، توماس (۱۳۸۷). لویاتان. ترجمه: حسین بشیریه، چاپ پنجم، تهران، نشر نی.

ب) مقالات

- ۴- امیدی، جلیل (۱۴۰۰). «محدودیت‌های آزادی بیان: موجهات و مستندات»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره ۱، صص ۲۹-۵۲.
- ۵- زاهدی، مهدی و شیرین شریف زاده (۱۴۰۰). «آزادی بیان و اصل دوگانگی ایده و بیان»، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۷۱، صص ۹۶-۱۰۲. <https://dx.doi.org/10.22059/jzfil.2021.329772.669220>



10.22054/QJPL.2021.56622.2518

۶- سودمندی، عبدالمجید و بهرام مستقیمی قمی (۱۳۹۰). «افترا و ممنوعیت آن در نظام حقوق بشر»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۱، صص ۶۱-۸۲.

<http://clr.modares.ac.ir/article-20-10052-en.html>

۷- شرقی، مرضیه و پرویز عامری (۱۳۹۸). «مسئولیت مدنی ناشی از افتراء در نظام حقوقی کامن لا با رویکرد تطبیقی در حقوق ایران»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۲، صص ۵۷-۸۱. <https://doi.org/10.1001.1.22516751.1398.23.2.1.4>

۸- غلاملو، جمشید و رضا دریائی (۱۴۰۱). «توهین، افترا و نشر اکاذیب تعزیری؛ از جرم‌انگاری تا جرم‌زدایی با تأکید بر الگوی حقوق مدنی»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۲۳، صص ۲۰۳-۲۴۰. <https://doi.org/10.30513/CLD.2023.4836.1779>

۹- قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۴). «توسعه قلمرو و تضمین محدودیت: آزادی بیان در آیین حقوق بشر معاصر مبانی نظری و پیامدهای حقوقی»، تحقیقات حقوقی، شماره ۴۱، صص ۲۳۹-۲۹۲.

ج) پایان نامه‌ها

۱۰- سعیدی، ابوالفضل (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی افترا در حقوق ایران و مصر، پایان نامه برای اخذ کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه دامغان.

۲-۵. منابع عربی

الف) کتب

۱۱- جبوری، محمد عوده (۲۰۰۰). الجرایم الواقعة علی الاشخاص، عمان، دارالثقافة للنشر و التوزيع.

۱۲- حسنین، ابراهیم صالح عبید (۱۹۸۳). جرایم الاعتداء علی الاشخاص، قاهره، دار النهضة العربیة.

۱۳- حسنین، عزت (۲۰۰۶). جرایم الاعتداء علی الشرف و الاعتبار بین الشریعه و القانون، قاهره، الهيئة المصریة العامة للكتاب.

۱۴- حسینی، عمر فاروق (۲۰۰۹). شرح قانون العقوبات القسم الخاص: فی جرایم



- الاعتداء على الأشخاص و الأموال. قاهرة، دار النهضة العربية.
- ١٥- رمسيس، بهنام (١٩٨٢). القسم الخاص فى قانون العقوبات، اسكندرية، منشاه المعارف.
- ١٦- سالم، عمر (١٩٩٥). الدفع بالحقيقة فى جريمة القذف ضد ذوى الصفة العمومية، قاهرة، دار النهضة العربية.
- ١٧- سعيد رمضان، عمر (١٩٨٦). شرح قانون العقوبات القسم الخاص، قاهرة، دار النهضة العربية.
- ١٨- سيد كامل، شريف (١٩٩٧). جرايم الصحافة فى القانون المصرى، قاهرة، دار النهضة العربية.
- ١٩- شاذلى، عبدالله فتوح (٢٠١٠). شرح قانون العقوبات القسم الخاص: جرايم العدوان على المصلحة العامة، بيروت، منشورات الحلبي الحقوقية.
- ٢٠- فتحي، أحمد سرور (١٩٩٦). الوسيط فى قانون الإجراءات الجنائية، قاهرة، دار النهضة العربية.
- ٢١- قهوجى، على عبدالقادر (٢٠٠٢). قانون العقوبات القسم الخاص: جرايم الاعتداء على المصلحة العامة وعلى الانسان والمال، بيروت، منشورات الحلبي الحقوقية.
- ٢٢- كامل، سعيد (٢٠٠٢). الجرايم الواقعة على الشرف و الحريه، عمان، دارالثقافة للنشر و التوزيع.
- ٢٣- مجدى، محمود محب حافظ (١٩٩٦). جرايم القذف والسب، قاهرة، دار النهضة العربية.
- ٢٤- نمور، سعيد محمد (٢٠٠٢). شرح قانون العقوبات القسم الخاص: الجرايم الواقعه على الاشخاص، عمان، دارالثقافة للنشر و التوزيع.
- ٢٥- مرصفاوى، حسن (١٩٩١). قانون العقوبات الخاص، اسكندرية، منشأة المعارف.
- ٢٦- مصطفى، محمود (١٩٨٤). شرح قانون العقوبات القسم الخاص، قاهره، جامعه القاهرة.
- ٢٧- مهنا، فواد محمد (١٩٨٧). مبادئ و احكام القانون الادارى فى ظل الاتجاهات الحديثه، اسكندرية، منشأة المعارف.



- ۲۸- نجار، عبد الحمید (۱۹۷۷). النقد المباح، قاهره، دار النهضة العربية.
۲۹- نجیب حسنی، محمود (۱۹۷۸). شرح قانون العقوبات القسم الخاص: جرایم الاعتداء على الاشخاص، قاهره، دار النهضة العربية.

ب) مقالات

- ۳۰- أسدی، إسراء محمد على سالم (۲۰۱۶). «إباحة قذف الموظف أو من في حكمه»، مجلة المحقق الحلی للعلوم القانونية و السياسية، عدد ۱، صص ۹۲-۱۲۸.
۳۱- جبر، سيد عبدالله جميل، محمد (۲۰۲۲). «عقوبة جريمة القذف في قانون العقوبات المصري والجزائري»، مجلة الابحاث السياسية و القانونية، عدد ۱، صص ۱-۱۹.
۳۲- عبد العزيز، حسن (۲۰۲۰). «جوانب من الحماية الجزائية الموضوعية لحق الدفاع أمام جهات التحقيق والقضاء دراسة مقارنة»، مجلة الشريعة والقانون، عدد ۸۱، صص ۴۱۷-۳۴۳.

ج) رساله ها

- ۳۳- خلف، احمد طه (۱۹۹۱). الموظف العام في قانون العقوبات، اطروحة دكتوراه، جامعة القاهرة.

۳-۵. منابع لاتین

A) Books

- 34-Rodney, Smolla and Melville, Nimmer (2011). *smolla & nimmer on freedom of speech*, New York, M. Bender.
35- Harpwood, Vivienne (2009). *Modern Tort Law*, London and New York, Routledge-Cavendish.

B) Articles

- 36- Kamali, Mohammad (2014). "Ethical Limit on Freedom of Expression with Special Reference to Islam", *CILE Journal*, Vol.2, pp. 42-62.
37- Yanchukova, Elena (2003). "Criminal defamation and insult laws: An infringement on the freedom of expression in European and post-Communist jurisdictions", *Columbia Journal of Transnational Law*, Vol. 3, pp. 861-894

C) Others

- 38- General comment no. 34, Article 19, Freedoms of opinion and expression, Human Rights Committee 102nd session, Geneva, 11-29 July



2011. Accessed: November 25, 2023, <https://www2.ohchr.org/english/bodies/hrc/docs/gc34.pdf>
 39- "Towards decriminalisation of defamation", accessed October 15, 2022, <https://assembly.coe.int>

۱. منابع فارسی به انگلیسی

40. Asadi, I. M. A. S. (2016). Ebahe-ye qazf al moazaf va man fi hokmehi [The legalization of extrusion of employee or equivalents]. *Al-mouhaqeq al-helly journal for legal and political science*, 8(1), 92-128. [In Arabic]
41. Fathi, A. S. (1996). *Alvasit fi ghanoun alejraiyyat aljna'ey-e* [Mediator in the criminal procedure law]. Cairo: Dar al-nahda al-arabiya. [In Arabic]
42. Ghari Seyed Fatemi, S.M. (2009). *Hoghugh-e bashar dar jahan moaser: jastarehaye tahlili az hagh ha va azadi pashar, Teheran, entesharat shahre danesh* [Human rights in the contemporary world: Analytical essays on rights and freedoms]. Tehran: Shahr Danesh Publication. [In Persian]
43. Ghari Seyed Fatemi, S.M. (2005) Toseaye ghalamro va tazmin-e mahdudiat: azadi-ye bayan dar ayine-ye hoghogh-e bashar moaser mabani-ye nazri va payamadha-ye hoghoghi [Developing territory and guaranteeing limits: freedom of expression in the mirror of contemporary human rights, theoretical foundations and legal consequences]. *Legal Research Quarterly* 8(41), 239-292. [In Persian]
44. General comment no. 34, Article 19, Freedoms of opinion and expression, Human Rights Committee 102nd session, Geneva, 11-29 July 2011. accessed November 25, 2023, <https://www2.ohchr.org/english/bodies/hrc/docs/gc34.pdf>
45. Gholamlloo, J. & Daryaei, R. (2022). Defamation Crimes: From Criminalization to Decriminalization and Civil Law Model. *The Criminal Law Doctrines*, 19(23), 203-240.



46. <https://dx.doi.org/10.30513/CLD.2023.4836.1779> [In Persian]
47. Harpwood, V. (2009). *Modern Tort Law*, London and New York, Routledge-Cavendish.
48. Hasan, A. A. (2020). Jawaneb-e men al hemayat al jazaeiyat al mozuei-e le hagh-e al defa amam-e jahat-e altahghigh val ghaza derasat-e mogharen-e [Aspects of the Penal Protection on the Right of Defense before the Investigative and Judicial Authorities: A Comparative]. *Study Journal of Sharia & Law*, 2020(81), 343- 417. [In Arabic]
49. Hasnayn, A. S.E. (1983). *Jaraem-e al eteda-e alal ashkhas [Offences against person]*. Cairo: Dar alnhdh al'erbah. [In Arabic]
50. Hasnayn, E. (2006). *Jaraem-e al eteda-e ala sharaf val etebar bein-e alshari-ye val ghanun [Offences against honor and reputation compared between Sharia and law]*. Cairo: Alhy'eh almsryh al'eamh llktab. [In Arabic]
51. Hobbes. T. (2008). *Leviathan*. (Translated from English to Persian by H. Bashiriyeh). Tehran: Nashreny. [In Persian]
52. Hoseiny, O. F. (2009). *Sharh-e ghanun al oghubat al ghesm-e al khas: fi Jaraem-e al eteda-e alal ashkhas-e va alal amval [Explanation of the Penal Code, Special Section: Offences against persons and property]*. Cairo: Dar alnhdh al'erbyh. [In Arabic]
53. Jabouri, M. E. (2000). *Aljaraem al vagh-e alal ashkhas [Offences against person]*. Oman: Daralthqafh llnsr w altwza'e. [In Arabic]
54. Jabr, S. A. J. M. (2022). Oghubat-e jarimato al ghazf fi ghanun al oghubat al mesri v aljazaeri [Punishment of Defamation according to Egyptian and Algerian Criminal Codes]. *Journal of Political and Legal Research*, 4 (1), 1-19. [In Arabic]
55. Kamali, M, (2014). "Ethical Limit on Freedom of Expression



- with Special Reference to Islam", *CILE Journal*, Vol.2, pp. 42-62.
56. Kamel, S. (2002). *Aljaraem al vagh-e alal sharaf-e v al hori-ye [Crimes against Honor and Freedom]*. 1st Edition. Amman: Daralthghaf-e lelnshr v al twzi. [In Arabic]
57. Khalaf, A. T. (1991). Public Employee in the Penal Code. Ph.D. thesis, Cairo University. [In Arabic]
58. Mehna, F. M. (1987). *Mabadi v ahkam al ghanun al edary fi zell-e al etehajat al hadith-e [Principles and provisions of administrative law in light of modern trends]*. Elhadytheh, Eskndryeh, Mnshah almaearif. [In Arabic]
59. Mirsafavy, H. (1991). *Ghanun al oghubat al khas [Penal code-special Section]*. Eskandari-ye: monsheat al maaref. [In Arabic]
60. Majdy, M. M. H. (1996). *Jarayem al ghazf v al sab [Crimes of slander and insult]*. Cairo: Dar Al Nahda Al Arabiya. [In Arabic]
61. Mostafa, M. (1984). *Sharh-e ghanun al oghubat al ghesm-e al khas [Explanation of the penal code- special section]*. Cairo: Jam'eh alqahrh. [In Arabic]
62. Najjar, A. H. (1977). *Al naghd al mobah [Permissible Criticism]*. Cairo: Dar al nahda al arabiya. [In Arabic]
63. Najib Hosni, M. (1978). *Sharh-e ghanun al oghubat al ghesm-e al khas: Jaraem-e al eteda-e alal ashkhas [Explanation of the Penal Code, Special Section: Crimes of Assault on Persons]*. Cairo: Dar al-nahda al-arabiya. [In Arabic]
64. Namur, S. M. (2002). *Sharh-e ghanun al oghubat al ghesm-e al khas: Al jaraem-e alvagh-e 'alal ashkhas [Explanation of the Penal code- special section: Crimes Against Persons]*. Amman: daralthghafat-e lelnshr v al twzi. [In Arabic]
65. Omidi, J. (2021). Restrictions on Freedom of Expression;



- Justifications and Documentation. *journal of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law*, 54(1), 29- 52.
66. <https://dx.doi.org/10.22059/jjfil.2021.329772.669220> [In Persian]
67. Qahwaji, A. A. A. (2002). *Ghanun al oghubat al ghesm-e al khas: Jaraem-e al eteda-e alal maslahat al amm-e val ensan-e val mal [Penal Code - Special Section: Offences Against The Public Interest, Persons and property]*. Beirut: mnshwrat alhalabi alhqwqyh .[In Arabic]
68. Rmsas, B. (1982). *Alghesm alkhas fi ghanwn al oghobat [Special Section in the Penal Code]*. Askendrah: Mnsha h alm'earf. [In Arabic]
69. Rodney, S. & Melville, N. (2011). *smolla & nimmer on freedom of speech*, New York, M. Bender.
70. Saeed, R. (1986). *Sharh-e ghanun al oghubat al ghesm-e al khas [Explanation of the Penal Code, General Section]*. Cairo: Dar al-nahda al-arabiya. [In Arabic]
71. Saeedi, A. (2022). *comparative study of defamation in Iranian and Egypt law*. Thesis. Master's Degree in Criminal Law and Criminology. Faculty of Humanities, Damghan University. [In Persian]
72. Salem, O. (1995). *Aldaf-e bel haghghat-e fi jaraem-e al qazf zed-e zawe al sefat-e al omumiat-e [Defending the truth in the crime of defamation against public persons]*. First edition. Cairo: Dar al-nahda al-arabiya. [In Arabic]
73. Sayed Kamel, S. (1997). *Jaraem al shafh fel ghanun al mesry [Press Crimes in Egyptian Law]*. 2nd Edition. Cairo: Dar al nahda al arabiya. [In Arabic]
74. Sharghi, M. & Ameri, P. (2019). Civil liability due to defamation in the common law legal system with an comparative approach in Iran's law. *Comparative law Research Quarterly*, 23(2), 57-82. [https:// dor/20.1001.1.22516751.1398.23.2.1.4](https://dor/20.1001.1.22516751.1398.23.2.1.4) [In Persian]

75. Shazly, F. A. (2010). *Sharh-e ghanun al oghubat al ghesm-e al khas: Jaraem-e al odvan alal maslahat al amm-e* [Explanation of the penal code, special section: Crimes of aggression against the public interest]. Beirut: Mnshurat al halabi al hghoghi-ye [In Arabic].
76. Soudmandi, A. & Mostaghimi Qomi, B. (2011). Defamation and Its Prohibition in Human Rights System. *Comparative law Research Quarterly*, 15(1), 61-83. <http://clr.modares.ac.ir/article-20-10052-en.html> [In Persian]
77. Stuart Mill, J. (2009). *On Liberty* (Translated from English to Persian by M. Sanai). Tehran: ent roshangaran. [In Persian]
78. Towards decriminalisation of defamation, accessed October 15, 2022, <https://assembly.coe.int>
79. Yanchukova, E. (2003). "Criminal defamation and insult laws: An infringement on the freedom of expression in European and post-Communist jurisdictions", *Columbia Journal of Transnational Law*, Vol. 3, pp. 861-894.
80. Zahedi, M. & Sharifzadeh, S. (2021). Freedom of Expression and Idea-Expression Dichotomy. *Public Law Research*, 23(71), 95-127. <https://dx.doi.org/10.22054/QJPL.2021.56622.2518> [In Persian]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Conflict or Non-Conflict of Criminal Defamation and Freedom of Expression in the Egypt's Legal System

Mohammad Hasan Hasani*

Assistant Professor, Faculty of Humanitarian Sciences, University of Damghan, Damghan, Iran

Receive: 2023/12/15

Accept: 2024/10/22

Abstract

The criminalization of defamation (Libel) in order to protecting human dignity has raised the challenge of its conflict with the right to freedom of expression. Establishing a fair balance between the right to freedom of expression and the dignity of citizens requires the adoption of reasonable legal strategy. The purpose of this article is to evaluate the conflict or non-conflict of criminal defamation and freedom of expression with a descriptive-analytical approach in the Egypt's legal system. According to the results of the research, the Egypt's legal system, by criminalizing personal defamation on the one hand and decriminalizing public defamation on the other hand, and on the condition of correcting some of its shortcomings, lead to compatibility between criminal defamation and the right to freedom. In this way, while supporting human dignity, it avoid unnecessary limitation of the principle of freedom of speech, especially by those in power.

Keywords: Defamation, Freedom of expression, Persons' Reverence, Human Dignity, Human Rights

Corresponding Author: m.hasani@du.ac.ir